

# گامنامه الکترونیکی

پرسهان سیاسی (۶)

منطقه‌ای

ویژه مسؤلان و هادیان سیاسی



معاونت سیاسی

نماینده‌گی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

آبان ماه ۱۳۹۶



## در این شماره می‌خوانید:

۱. دلیل بحران کرکوک چه بود؟
۲. پیامدهای بحران کرکوک بر بارزانی و دیگر بازیگران دخیل در این بحران چیست؟
۳. آزادشدن شهر الرقه و تسلط نیروهای کردی بر این شهر چه تاثیری بر معادلات نبرد سوریه خواهد داشت؟
۴. اظهارات ترامپ مبنی بر عدم پایبندی ایران به برجام حاوی چه پیام‌هایی بود؟ تاثیرات منطقه‌ای این سخنرانی چه بود؟
۵. اخیرا بین جنبش فتح و حماس توافقی صورت گرفت. تاثیر این توافق که پس از ۱۰ سال به دست آمد چیست؟
۶. ملک سلمان به عنوان نخستین پادشاه عربستان اخیرا به روسیه سفر کرد. اهداف این سفر و دستاوردهای این سفر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
۷. پادشاه عربستان اخیرا در فرمان‌هایی مجوز برخی از اصلاحات در حوزه زنان را صادر کرد. پشت پرده این اصلاحات چگونه ارزیابی می‌شود؟

## ۱. دلیل بحران کرکوک چه بود؟

کرکوک شهر بسیار مهمی در عراق است و از همین رو بازیگران مختلف در عرصه داخلی عراق به دنبال تسلط بر این شهر هستند. مسعود بارزانی یکی از بازیگرانی است که به دنبال اجرای برنامه های خود از طریق تسلط بر شهر کرکوک بود. در واقع مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق که به دنبال برگزاری همه پرسی برای جدایی کردستان از عراق به شدت در انزوا قرار گرفته بود سعی داشت با متمرکز کردن نیروهای پیشمرگه در شهر کرکوک و به ویژه در مناطق نفتی این شهر به نوعی با بغداد وارد زورآزمایی شود. اما عراق که در چندین دهه اخیر به دلیل تفرقه در مناطق مختلف با ناامنی و بی ثباتی مواجهه بوده است و اکنون در شرایط پسا داعش و برقراری امنیت به سر می برد به شدت با اقدام بارزانی در کرکوک مقابله کرد. بغداد برای مواجهه با تسلط بارزانی بر منابع نفتی کرکوک در دو مرحله ضرب الاجل تعیین کرد و سرانجام پس از اصرار بارزانی بر خواسته های خود، نیروهای ارتش عراق در ۲۴ مهرماه از سمت جنوب به شهر کرکوک حمله کردند. حمله ای که با کمترین مقاومت مواجه شد. چرا که برخی از گروه های اقلیم کردستان که با سیاست های توسعه طلبانه بارزانی مخالف بودند به سمت ارتش عراق آمده و به نوعی بارزانی را تنها گذاشتند. بعد از گذشت کمتر از ۲۰ ساعت از آغاز مأموریت نیروهای عراقی در استان کرکوک، این شهر، تحت کنترل نیروهای مشترک عراقی در آمد. همزمان که مأموریت نیروهای مسلح عراق آغاز شد و طی چند ساعت بدون درگیری و تنش قابل ذکری مناطق متعدد و وسیعی تحت کنترل نیروهای عراقی درآمد، اختلافات دو حزب «اتحادیه میهنی کردستان» معروف به حزب طالبانی و حزب «اتحاد دموکراتیک کردستان» معروف به حزب مسعود بارزانی نیز بالا گرفت. «سعدی احمد پیره» سخنگوی حزب «اتحادیه میهنی کردستان» نیز بدون اشاره صریح به نام حزب «اتحاد دموکراتیک کردستان» (به ریاست بارزانی)، گفت، برخی شبکه های تلویزیونی تلاش می کنند بر «شکست همه پرسی» سرپوش بگذارند.

در واقع مسعود بارزانی در تلاش بود تا برای بحران مشروعیت خود راه حلی پیدا کند و این راه حل نیز برگزاری همه پرسی و تسلط بر میادین نفتی کرکوک بود. بدون تردید

مهم‌ترین موضوعی که موجب کاهش مشروعیت بارزانی شده است در ارتباط با غیرقانونی بودن زمامداری او است. بر اساس قانون اساسی و نیز توافقات پارلمانی جناح‌های سیاسی در ۱۹ آگوست ۲۰۱۵، مدت زمامداری مسعود بارزانی که در سال ۲۰۱۳، بر اساس توافق سیاسی به مدت دو سال تمدید شده بود به پایان می‌رسید. اما در ۲۰۱۵/۸/۱۹، نه تنها بارزانی از قدرت کنار نرفت، بلکه با حکم صوری شورای صدور احکام اقلیم کردستان در اربیل مدت زمامداری او تا زمانی که شخصی جایگزین او نشده است، تمدید شد. این مساله موجب خشم و نارضایتی تمامی احزاب اصلی اقلیم کرده شده و آن‌ها حکومت بارزانی را غیرقانونی و برخلاف توافقات موجود می‌دانند. در نتیجه، نه تنها احزاب سیاسی اقلیم، بلکه بخشی بزرگ از شهروندان کرد، باوری به بارزانی و حکومت او ندارند و مشروعیت او را ناشی از قدرت نظامی حزب تحت کنترل او ارزیابی می‌کنند و نه رای و اراده مردم. از سوی دیگر، طی سال‌های اخیر بارزانی بدون اعتنا به خواسته‌های دیگر احزاب، جریان سرمایه و قدرت را در دست حزب دموکرات کردستان عراق قرار داده است. این مسئله نیز در کنار برخی اتهامات مالی به خانواده بارزانی باعث تشدید مخالفت‌ها با وی شده است. به همین دلیل بارزانی در سوم مهرماه برای نجات خود از این بحران به ابزار همه‌پرسی استقلال متوسل شد و با برگزاری این همه‌پرسی غیرقانونی به نوعی زمینه‌های تشدید بحران بین اربیل و بغداد را تشدید کرد. پس از ناکامی بارزانی در موفق جلوه دادن همه‌پرسی، وی به ابزار جدیدی روی آورد و این بار سعی داشت با تسلط بر شهر کرکوک ابزارهای فشار بر بغداد را بیشتر کند. افزون بر اهمیت راهبردی این شهر از منظر سیاسی و اجتماعی، کرکوک با سهم حدود ۴۰ درصدی از صادرات نفت عراق جایگاه با اهمیتی در معادلات نفتی و ساختار اقتصادی عراق ایفا می‌کند. ذخایر قطعی نفت (حدود چهار میلیارد بشکه نفت) که باعث شده تا کرکوک پس از بصره، دومین میدان نفتی عراق نامیده شود. اما در نهایت نقشه‌های بارزانی در مورد کرکوک با شکست مواجه شد و ارتش عراق با کمک برخی از نیروهای پیشمرگه بر این شهر مسلط شد.

## ۲. پیامدهای بحران کرکوک بر بارزانی و دیگر بازیگران دخیل در این بحران چیست؟

شکست بارزانی در کرکوک بدون شک پیامدهای منفی برای وی به همراه خواهد داشت. برخی منابع گُردی در عراق احتمال کناره‌گیری مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق از تمام مناصب خود را مطرح کرده‌اند. به گفته این منابع، بارزانی به نفع نیچروان بارزانی کناره‌گیری خواهد کرد. بر اساس گزارش یک سایت گُردی عراقی، مسعود بارزانی از سمت خود استعفا می‌دهد و اختیارات خود را به نیچروان بارزانی نخست وزیر حکومت اقلیم کردستان واگذار خواهد کرد. علاوه بر این نخست وزیر عراق نیز اعلام کرده است که همه‌پرسی تمام شد و به تاریخ پیوست. برهم صالح معاون سابق نخست وزیر عراق و رئیس حزب کردی ائتلاف برای دموکراسی و عدالت نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد: پیشمرگه مسوول اوضاع کرکوک نیست. این اوضاع نتیجه ماجراجویی‌های سیاسی و اقدامات غیرواقعی کسانی است که منافع ملت کرد را در نظر نگرفتند. این وضع نتیجه تلاش‌های افراد فاسدی

بود که به نام کرکوک و به نام قومیت کرد، بر دزدی و غارت های خود سرپوش گذاشتند. صالح همچنين خواهان تشكيل فوری دولت انتقالی در کردستان شد.

از سوی دیگر شکست بارزانی در کرکوک باعث تقویت مخالفان وی در اقلیم کردستان خواهد شد. همه پرسى کردستان عراق در حالی برگزار شد که حزب گوران و اتحادیه میهنی با اکراه به آن رضایت دادند. اما درگیری های کرکوک باعث شد تا این دو حزب اعلام کنند که دیدگاه آن ها در مورد همه پرسى با واقعیت همخوانی داشته است. همراهی مخالفان بارزانی با ارتش و نیروهای حشد الشعبی نشان داد که بحران بین گروه های اقلیم کردستان بسیار عمیق و جدی است. شکست سیاست های بارزانی در کرکوک به نوعی موضع مخالفان بارزانی را در اقلیم کردستان تقویت خواهد کرد. از سوی دیگر یکی از پیامدهای حوادث کرکوک نهادینه شدن جایگاه حشد الشعبی در عراق است. در واقع ورود بسیج مردمی عراق به این بحران نشان داد که حشد الشعبی به عنوان بخشی از ارتش و نیروهای نظامی عراق به رسمیت شناخته شده است و برخلاف تبلیغات عربستان و آمریکا این نیرو دیگر قابل حذف شدن نیست.

### ۳. آزاد شدن شهر الرقه و تسلط نیروهای کردی بر این شهر چه تأثیری بر معادلات نبرد سوریه

#### خواهد داشت؟

سه شنبه ۲۵ مهرماه نیروهای کرد موسوم به نیروهای دموکراتیک سوریه که توسط آمریکا پشتیبانی شدند شهر الرقه را در سوریه پس از چهار سال تسلط داعش آزاد کردند. اکنون نیروهای کرد بر شهر رقه مسلط شده اند و در واقع نیروهای آمریکایی را باید اداره کننده این شهر دانست. آمریکا نشان داده است که برای شمال و شرق سوریه برنامه های تعریف شده ای دارد. در همین ارتباط بعد از اعلام آزادسازی کامل شهر رقه، برت مک گورک نماینده آمریکا در ائتلاف به اصطلاح ضد داعش، به همراه «تامر السبهان» وزیر مشاور در امور خاورمیانه عربستان وارد شهر «رقه» شدند. آمریکا برای اینکه نیروهای مورد حمایت خود را بر رقه مسلط کند، طی چهارماه اخیر این شهر را به طور مرتب بمباران کرده است. شمار غیرنظامیانی که در این بمباران ها کشته شده اند، ۱۱۳۰ نفر گزارش شده است. حدود ۸۰ درصد ساختمان ها و زیرساخت های رقه نیز در این حملات ویران شده اند. اما اکنون که آمریکا بر خرابه های رقه ایستاده، اعلام کرده که قصد دارد رقه را بازسازی کند! نکته مهم در این مورد ورود عربستان به پرونده رقه است. حضور ثامر السبهان وزیر جنجالی سعودی در شهرک عین العرب سوریه در حومه الرقه اولین ظهور علنی یک مقام سعودی در منطقه تحت سیطره گروه های مسلح کردی در سوریه قلمداد می شود. آل سعود به دنبال آن است تا با اعزام نماینده خود به رقه پیام هایی را برای بازیگران موثر در بحران سوریه ارسال کند. عربستان از طریق اعزام این وزیر خود به الرقه می خواهد چند پیام به طرف های مختلف از جمله ترکیه و ایران ارسال کند. در درجه اول عربستان خواهان آن است تا این پیام را به تهران و آنکارا ارسال کند که ریاض از کردها

و گروه‌های سوریه دموکراتیک که بر الرقه مسلط شده‌اند و از حمایت نظامی زمینی و هوایی آمریکا برخوردارند، حمایت می‌کند. از سوی دیگر عربستان که در جریان حمایت از تروریست‌ها برای برکناری بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه ناکام شده است سعی دارد به روش‌های مختلف خود را در فرایند سیاسی بحران سوریه شرکت دهد. از این رو عربستان که از طریق حمایت از تروریست‌ها به اهداف خود در سوریه نرسید این بار در تلاش است تا تحت پوشش مشارکت در عملیات بازسازی و به‌کارگیری کارت کردها به نقش آفرینی در سوریه بپردازد. از سوی دیگر آمریکا که در چند سال گذشته از کردهای شمال سوریه حمایت کرده است سعی دارد با در اختیار داشتن شهر مهمی مانند رقه به نوعی ابزار فشاری بر دمشق در اختیار خود داشته باشد. در واقع واشنگتن به دنبال آن است تا مانع از تسلط کامل ارتش سوریه بر خاک این کشور شود. حمایت آمریکا از کردها نگرانی‌ها برای اجرای نقشه فدرالی شدن سوریه و تشکیل حکومت خودگردان کردستان در سوریه را تقویت کرده است. شاید بتوان شهر رقه را به عنوان نقطه آغاز فتنه جدیدی در سوریه از سوی آمریکا دانست.

#### ۴. اظهارات ترامپ مبنی بر عدم پایبندی ایران به برجام حاوی چه پیام‌هایی بود؟ تاثیرات

##### منطقه ای این سخنرانی چه بود؟

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا پس از چند هفته هیاهو سرانجام در یک سخنرانی جنجالی در ۲۱ مهرماه، ایران را به عدم پایبندی نسبت به توافق هسته‌ای متهم کرد و وزارت خزانه داری و کنگره را مامور کرد تا در خصوص برطرف کردن نواقص توافق هسته‌ای! با ایران همکاری کنند. ترامپ در این خصوص عنوان کرد: ایران چندین نقض در خصوص توافق داشته است. به عنوان مثال حجم مواد غنی شده آنها از حد مشخص شده فراتر رفته است. تحریم‌های جدیدی علیه ایران وضع خواهیم کرد تا حمایت خود را از تروریسم متوقف کنند. ما همه مسیرهای دستیابی به سلاح هسته‌ای را برای رژیم ایران مسدود خواهیم کرد. در خصوص اظهارات اخیر ترامپ نکاتی وجود دارد که لازم است نسبت به آنها توجه داشته باشیم. ترامپ به لحاظ حقوقی و فنی نتوانست ادعایی در خصوص نقض توافق هسته‌ای از سوی ایران مطرح کند. هشت گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تایید فعالیت‌های هسته‌ای ایران (مطابق برجام)، قدرت مانور حقوقی رئیس‌جمهور آمریکا را در این خصوص کاهش داده بود و حتی ادعای وی در خصوص افزایش حجم مواد غنی شده از سوی ایران، انطباقی با گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نداشت. از سوی دیگر، رئیس‌جمهور آمریکا که در جریان برگزاری نشست اخیر سازمان ملل متحد در نیویورک عملاً نتوانست به اهداف خود در خصوص متقاعد ساختن شرکای واشنگتن جهت تغییر برجام دست پیدا کند، در سخنان اخیر خود عملاً به مقامات اروپایی در این خصوص هشدار داده است. هشدار ترامپ مبنی بر خروج یکجانبه از توافق هسته‌ای در همین راستا قابل تحلیل و ارزیابی است.

تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و استفاده از واژه جعلی خلیج عربی نیز اقداماتی بود که ترامپ با تمسک به آن‌ها سعی داشت نداشتن دلایل برای برهم زدن برجام را برطرف کند. در واقع ترامپ از لحاظ فنی و حقوقی نتوانست هیچ دلیلی برای خدشه وارد کردن به برجام پیدا کند اما با این وجود ضمن اعلام عدم پایبندی ایران به این توافق سعی دارد در مدت ۶۰ روزه‌ای که کنگره برجام را بررسی خواهد کرد زمینه‌های لازم را برای فشار بیشتر بر ایران و احتمالاً بازگرداندن بخشی از تحریم‌ها را مهیا کند. اظهارات ترامپ نشان داد که آمریکا حتی به توافق برجام که خود بسیار مشتاق به آن بود نیز پایبند نیست و در واقع مشی این کشور تمامیت خواهی است و تنها در صورتی در برابر ایران کوتاه خواهد آمد که تهران تمامی توانمندی‌های خود را تقدیم آمریکا کند. این اقدام ترامپ این واقعیت را ثابت کرد که مقامات ایران باید در ادامه با بررسی اقدامات متقابل به نقض عهد آمریکا پاسخ متناسبی بدهند. در واقع سخنرانی نفرت‌انگیز ترامپ مشخص کرد که آمریکا از دستاوردهای ایران در ۳۸ سالگی انقلاب در سطح داخلی و منطقه‌ای و جهانی به شدت عصبانی است. اسرائیل نیز نخستین رژیم‌ری می بود که از این سخنرانی استقبال کرد.

مواضع ترامپ علیه ایران باعث شده است تا در سطح منطقه‌ای نیز عربستان و اسرائیل با تمسک به این اظهارات اقدامات افراطی خود را تشدید کنند. عربستان در یکی از این اقدامات بار دیگر ایران را در مورد جزایر سه گانه متهم کرد. این مسئله در حالی است که جزایر سه گانه از سوی تمامی نهادهای بین‌المللی متعلق به ایران است. در واقع اظهارات ترامپ باعث شد تا افراطی‌های منطقه نسبت به حمایت‌های آمریکا برای ادامه فعالیت‌های خود امیدوارتر شوند.

## ۵. اخیراً بین جنبش فتح و حماس توافقی صورت گرفت. تأثیر این توافق که پس از ۱۰ سال به

### دست آمد چیست؟

دو جنبش فتح و حماس روز پنجشنبه ۲۰ مهرماه بالاخره بعد از ۱۰ سال تنش، رسماً در قاهره یک توافق آشتی امضا کردند. این توافق پس از سه روز گفت‌وگوهای عمیق و فشرده میان مقامات فتح و حماس انجام شد. این توافقنامه در مقر سازمان اطلاعات مصر به عنوان ناظر بر این توافقنامه که تلاش‌های زیادی برای نزدیک کردن مواضع دو جنبش فلسطینی به هم انجام داد، امضا شد. طبق این توافق، فتح و حماس موافقت کرده‌اند که دولت توافق ملی وظایف و مسئولیت خود را از تاریخ یکم دسامبر (آذرماه) سال جاری در نوار غزه، همانند کرانه باختری به دست گیرد و در راستای حل مشکلات ناشی از اختلافات وارد عمل شود. این توافق نامه بدون ذکر جدول کاری این نشست، از تمامی گروه‌های فلسطینی خواست که در ۲۱ نوامبر (۳۰ آبان ۹۶) گردهم آیند و انتظار می‌رود که در این نشست برگزاری انتخابات مجلس و تغییر ساختار سازمان آزادی بخش فلسطین مورد بررسی قرار گیرد. مهم‌ترین بندهای این توافق امضا شده میان جنبش‌های فتح و حماس

عبارتند از: فراهم کردن زمینه فعالیت دولت فلسطین در نوار غزه حداکثر تا ۱ دسامبر آینده، وضع راه‌حل‌های لازم برای مسئله کارمندان غزه توسط کمیته حقوقی و اداری که فعالیت خود را حداکثر از ۱ فوریه (بهمن ماه) ۲۰۱۸ آغاز می‌کند. بر طبق این توافق دولت فلسطین متعهد به تداوم پرداخت حقوق کارمندان در طول دوره فعالیت این کمیته می‌شود و این حقوق نباید از حقوق فعلی آنها کمتر باشد. همچنین روسای سرویس‌های امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین حداکثر تا تاریخ ۱ دسامبر ۲۰۱۷ راهی باریکه غزه شده و با مسئولان سرویس‌های امنیتی این منطقه دیدار می‌کنند تا راه‌های بر عهده گرفتن مسئولیت اداره امور این منطقه را مورد بررسی قرار دهند. جنبش حماس از سال ۲۰۰۷ کنترل نوار غزه را به دست گرفت که موجب شد دو قدرت یکی در غزه و دیگری در رام الله به وجود آید و تلاش‌های بسیار برای پر کردن این شکاف ناکام ماند. اما اخیراً میانجی‌گری مصر در نزدیک کردن دیدگاه طرفین درگیر نتیجه بخش بود. این توافق اما با انتقادهایی نیز مواجه بوده است. علاوه بر بحث آشتی ملی که در متن توافق گنجانده شده است اداره گذرگاه‌های منتهی به غزه و خان یونس که در گذشته در اختیار حماس بود، به تشکیلات خودگردان سپرده شد و حتی اداره کلی غزه هم به این جریان منتقل شد. لذا باید توجه داشت که فرآیند دولت‌سازی حماس در سرزمین‌های اشغالی به پایان رسیده و تمامی آن به تشکیلات خودگردان منتقل شده است. عده‌ای دیگر معتقدند که حماس به این نتیجه رسیده که دولت‌سازی باید به تشکیلات خودگردان سپرده شود اما به دلیل نزدیک بودن این جریان به اسرائیل و همچنین ضعف حمایت‌های مالی باید گفت که حماس باید نسبت به عواقب و تبعات این توافق هوشیارانه عمل کند.

## ۶. ملک سلمان به عنوان نخستین پادشاه عربستان اخیراً به روسیه سفر کرد. اهداف این سفر و

### دستاوردهای این سفر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ملک سلمان بن عبدالعزیز پادشاه سعودی اواسط مهرماه در سفری چهار روزه به روسیه سفر کرد. اهمیت این سفر جدای از اینکه نخستین سفر یک پادشاه سعودی به روسیه بود به زمان سفر و شرایط منطقه بر می‌گردد. رسانه‌های غربی معتقدند توسعه روابط ریاض و مسکو در مقطع کنونی برای طرفین بسیار حیاتی است. بسته‌ای از سرمایه‌گذاری‌هایی که در جریان این سفر اعلام شده است، راهی برای متوقف کردن خلاء سرمایه‌گذاری غربی در روسیه خواهد بود که پس از تحولات کریمه علیه مسکو اعمال شد. بر اساس اعلام برخی رسانه‌ها، عربستان سعودی تا حدود ۱۰۰ میلیون دلار در پروژه‌های حمل و نقلی روسیه سرمایه‌گذاری خواهند کرد. دو کشور همچنین توافق نامه برای ایجاد یک صندوق سرمایه‌گذاری مشترک ۱ میلیارد دلاری امضا کردند.



از سوی دیگر اخبار حکایت از این دارد که عربستان سعودی یادداشت تفاهمی در مورد خرید سیستم های دفاع هوایی S-۴۰۰ از روسیه را امضا کرده است. مقامات سعودی گفته اند که در حاشیه بازدید سلمان از مسکو، موافقت نامه های اولیه برای خرید سیستم های دفاع هوایی S-۴۰۰ از روسیه امضا شده است. این موضوع نشان دهنده تحولی در بازار تسلیحات است، چه این که پادشاهی سعودی عمده ابزارآلات جنگی خود را از ایالات متحده و بریتانیا خریداری می کند.

یکی از اهداف سفر ملک سلمان به روسیه این بود که در سوریه نقش آفرینی کند. عربستان در ۷ سال گذشته با صرف میلیاردها دلار سعی داشت تا گروه های تروریستی به ویژه داعش را در سوریه تقویت کند و بدین طریق حامیان خود در این کشور را به قدرت برساند. اما نقشه عربستان در این مسیر با شکست مواجه شد و در واقع عربستان پس از ۷ سال یکی از بزرگترین بازندگان جنگ سوریه بوده است. اکنون نیز که مذاکرات سیاسی در مورد سوریه شروع شده است و در ۶ دور مذاکرات آستانه با حضور ایران، روسیه و ترکیه فرایند دوران سیاسی در حال طی شدن است عربستان سعی دارد که در دوران پسا داعش به نوعی خود را وارد مذاکرات کند. ریاض به خوبی از اهمیت و نقش روسیه در این مرحله آگاه است و به همین دلیل ریاض به دنبال جلب نظر مسکو در جهت حمایت این کشور از نقش آفرینی عربستان در سوریه است.

از سوی دیگر ایران را شاید بتوان از برندگان اصلی تحولات خاورمیانه به شمار آورد. چرا که در ۶ سال گذشته ایران به خوبی توانسته است در دو کشور سوریه و عراق به عنوان نیروی اصلی مبارزه با داعش خود را مطرح کند. این مسئله قدرت نرم ایران را در بین کشورهای منطقه بسیار افزایش داشته است و همین امر عربستان و اسرائیل را نگران کرده است. مجله انگلیسی اکونومیست طی گزارشی نوشته که، «نقشه‌های ریاض در منطقه، از سوریه و عراق گرفته تا یمن و لبنان یکی پس از دیگری به شکست منتهی شده و عربستان در جدال نفتی که با ایران داشت نیز متحمل «شکست سختی» شده است.» بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در سفر اخیر خود به روسیه به صراحت از پوتین درخواست کرد که حمایت های روسیه از ایران کاهش یابد اما مسکو به این درخواست واکنش منفی نشان داد. اکنون نیز ملک سلمان بخت خود را آزمود و برای این هدف به روسیه رفت اما ظاهراً وی نیز موفق نشده است. پایگاه «هافینگتون پست عربی» در گزارشی با عنوان «چرا ملک سلمان هرگز قادر به متقاعد کردن پوتین برای دست کشیدن از ایران نیست»، تاکید کرد که پادشاه عربستان در مقابل امتیازدهی‌های خود در مسکو قادر به شکستن همپیمانی مسکو-تهران نبود. طبق این گزارش، یکی از دلایل اصلی سفر ملک سلمان به مسکو این است که به نظر می‌رسد عربستان در هفته‌های اخیر موضع خود را در قبال اسد تغییر داده و پذیرفته وی حداقل در شرایط حال حاضر در قدرت بماند. وزیر خارجه سعودی نیز در دیدار همتای روسی خود بر اهمیت راه حل سیاسی در سوریه تاکید کرد که این یک عقب نشینی بزرگ برای عربستان است. هافینگتون پست تاکید کرد از لحاظ

جغرافیای سیاسی نیز شاید ریاض معتقد است که داشتن روابطی محکم‌تر با مسکو می‌تواند به دور کردن روسیه از ایران کمک کند و به دنبال آن جلوی نفوذ روز افزون جمهوری اسلامی ایران در منطقه گرفته شود اما چنین اتفاقی امکان‌پذیر نیست.

## ۷. پادشاه عربستان اخیراً در فرمان‌هایی مجوز برخی از اصلاحات در حوزه زنان را صادر

### کرد. پشت پرده این اصلاحات چگونه ارزیابی می‌شود؟

پادشاه عربستان اخیراً به صورت ناگهانی مجوز انجام برخی اصلاحات اجتماعی را در این کشور صادر کرده است. این مسئله از آنجا بسیار عجیب است که وهابیت حاکم بر این کشور با هر نوع نوآوری و مدرنیته مخالف است. در این راستا پادشاه عربستان با صدور فرمانی به زنان این کشور اجازه داد که رانندگی کنند. همچنین اعضای مجلس شورای عربستان صدور حکم فتوا از سوی مفتی‌های زن را در این کشور آزاد اعلام کردند. برای اولین بار در عربستان نیز یک زن به عنوان معاون شهرداری انتخاب شد. چندین فرمان دیگر نیز در حوزه زنان صادر شده است اما پشت پرده این اصلاحات ناگهانی چیست؟ کودتای محمد بن سلمان علیه «محمد بن نایف» در کنار دیگر اقدامات خودسرانه وی به ویژه حمله به یمن و محاصره قطر باعث شد که مخالفت‌های داخلی در عربستان علیه وی گسترش یابد. در این راستا ده‌ها عالم وهابی دستگیر و شاهزاده‌های مخالف بن سلمان نیز ناپدید شده‌اند. در واقع بسیاری از فعالان سیاسی عربستان اقدامات بن سلمان را بر خلاف منافع عربستان می‌دانند. سلمان برای کنترل فضای مخالف خود در داخل عربستان، علاوه بر سرکوب مخالفان دست به برخی اقدامات اصلاحی زد، تا بخش‌هایی از جامعه را با خود همراه کند. نگاهی به لیست اصلاحات مد نظر محمد بن سلمان نشان دهنده این است که وی سعی دارد خود را به عنوان چهره‌های ملی، نوگرا و به شدت اصلاح‌طلب معرفی کند. «کریستین دیوان» پژوهشگر مرکز کشورهای عرب حوزه خلیج فارس در واشنگتن معتقد است که محمد بن سلمان با اقدامات خود، به دنبال جذب نسل جوان عربستان است. نشریه بیلد آلمان هم معتقد است که عربستان با گسترش انقلابی حقوق زنان می‌خواهد اذهان را از اقدامات شدید و سرکوبگرانه دولت علیه منتقدان تحریف کند. اما یکی دیگر از اهداف محمد بن سلمان از اقدامات اصلاحی اخیر را می‌توان تلاش وی برای سکولار کردن جامعه عربستان دانست. در این ارتباط، اسنادی نیز وجود دارد؛ سخنان «یوسف العتیبه» سفیر امارات در واشنگتن مبنی بر اینکه عربستان، امارات، بحرین و مصر برای ایجاد حکومت‌های سکولار در منطقه تلاش می‌کنند، واکنش‌های زیادی به دنبال داشت. ناظران معتقدند عربستان به ناچار در مسیر سکولاریسم حرکت می‌کند که رویکرد رسانه‌های محلی این کشور در سخن گفتن از فواید قوانین مدنی و آماده‌سازی افکار عمومی برای تحولی تاریخی نشانگر همین امر است. تحولی که با جمع کردن بساط نهادهای دینی و انتقال به دوران گشایش و رفاه همراه خواهد بود. شبکه‌های ماهواره‌ای

چون «روتانا» و «السعودیه ۲۴» با دعوت از نویسندگان و روزنامه‌نگاران سعودی وابسته به جریان لیبرالیسم و کسانی که درباره منافع حاصل از لیبرالیسم در کشور، گفت‌وگو می‌کنند، به ایفای این نقش می‌پردازند و این مهمان‌ها امارات را به عنوان نمونه‌ای که می‌تواند الگوی عربستان برای اجرای سکولاریسم اسلامی باشد معرفی می‌کنند. از سوی دیگر بن سلمان در تلاش است تا به نوعی افکار جامعه جهانی را از نقض گسترده حقوق بشر در این کشور، جنگ یمن و حمایت‌های این کشور از تروریسم منحرف کند. به همین دلیل بن سلمان اقدام به اجرای برخی اصلاحات در عربستان کرده است.